

روایت حقیقت با بحران کاغذ



علی ورامینی دبیر گروه فرهنگ

۱۷ مردادماه، سیل تبریکات از یمین ویسار برای خبرنگاران و اهالی رسانه سرازیر می شود. این یک روز خبرنگار بر صدر می نشیند و به چشم همه می آید. از من پیرسید؛ خبرنگاری یک حرفه است، مثل همه‌ی حرفه‌های دیگر. نه تقدسی دارد، نه ویژه‌تر است و نه پایین‌تر و نه بالاتر. خبرنگاری همان قدر مهم است که پزشکی، نانوائی و پاکبانی. یک روز در این کشور پزشک نباشد، چه می‌شود؟ یک روز همه‌ی نانوائی‌ها کار نکنند، احتمالاً خیلی‌ها شب را گرسنه صبح کنند. فقدان پاکبان‌ها که زودتر از همه به چشم می‌آید. بماند که از قرار معلوم، عمده‌ی پاکبان‌های زحمت‌کش، مهاجران افغانستانی بوده‌اند و در نبودشان بایدمنتظر چهره‌ی کثیفی از شهر باشیم. باری، خبرنگاری را خیلی‌ها در زمانه‌ی امروز، عصر شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجوگر وشرمند-خبرنگارها،دیگرفشغلی غیر ضروری و بی‌مصرف می‌دانند. این تلقی هم اشتباه است. اقباض در دوران پالودگی اطلاعات و سیل خبرها، کار خبرنگاری بیشتر از هر زمان دیگری ضروری است. اینکه،رسانه و خبرنگاری باشد تا مردم بتوانند به آن‌ها اعتماد کنند وسره را از ناسره تشخیص دهند. گوگل، اینستگرام و هوش مصنوعی شاید حتی زمانی آدم‌ها را از کار پزشکی بی‌نیاز کند و یک روز بتواند تشخیص دهد که بیمار سرطان دارد و بهترین برنامه‌ی درمانی برای او چیست، ولی حتی همان روز هم نمی‌تواند مردم را از خبرنگار بی‌نیاز کند. اگر خبرنگارانی نبودند، امروز همین صدای ناچیز هم از غزه بیرون نمی‌آمد و هیچ‌کس از آنچه در آنجا می‌گذرد، خبردار نمی‌شد. مثال غزه ورژیم اسرائیل را می‌زنم؛ چرا که اولاد هشتناک‌ترین فاجعه‌ی انسانی است که در این جهان در حال رخ دادن است و ثانیاً اسرائیل توان مدیریت رسانه‌های جریان اصلی را دارد. نفقظ این توان را دارد، بلکه از دهه‌های پیش با استراتژی‌های پیچیده و کار رسانه‌ای گسترده، سعی کرده است از خود وجهه‌ی مطلوبی در عالم بسازد. این قدرت را جنایتکاران و دیکتاتورهای دیگر کمتر دارند. توان آن‌ها در حد مدیریت رسانه در حوزه‌های محدود است. اسرائیل، چون مهره‌ی اصلی در نظم فعلی جهانی است، توانسته چنین موفق عمل کند. ولی با همه‌ی این دستگاه عریض و طویل، با همه‌ی سانسور و سواگیری شبکه‌های اجتماعی اصلی، با همه‌ی حذف خبرنگاران مستقر در غزه، راولان حقیقت و واقعیت در غزه، خبرنگارانی که دیگر از گرسنگی توان نوشتن ندارند. توانستند با آن هیمنه، اسرائیل را بشکنند و امروز می‌بینیم که مردمان آزاده‌ی جهان در غرب و شرق، خیابان‌ها را ضد سیاست‌های اسرائیل تسخیر می‌کنند. اگر این خبرنگاران نبودند و کار حرفه‌ای‌شان را درست انجام ن داده بودند، حالا تنها روایت موجود، روایت تناهی‌ها و یارانش بود. این‌ها را گفتیم که بگویم: کار حرفه‌ای خبرنگاری هنوز هم اهمیت دارد. همان اندازه که آن پرستار در غزه کماکان ایستاده و زخمی‌ها را تیمار می‌کند، یا آن نالوا که تا آردی بود نان می‌بخت. برای همین، روز خبرنگار همان قدر باید ارج داده شود که روز پرستار، پزشک، نانوا و هر شغل دیگری که خیری عمومی در پیش دارد یا کاری از کارهای مردم را راه می‌اندازد. اقبال سیاستمداران، شرکت‌ها و دیگران به روز خبرنگار و سبقت گرفتن از یکدیگر برای تبریک گفتن، به این دلیل است که خبرنگاری حرفه‌ای است که سروصدا دارد. آدم‌ها یا از سروصدا واهمه دارند یا وقتی به نفع‌شان باشد از آن خوش‌شان می‌آید. روز خبرنگار امسال هم به روال همیشه، همه مقامات کشوری، لشکری و بخش خصوصی و همه، احتمالاً از سر مهر تبریک‌های مختلف گفتند. اما به‌جای همه‌ی این‌ها، کاش رئیس‌جمهور که توصیه به شجاع‌بودن کرده‌اند، معاون اول که به مناسبت روز خبرنگار خودش از خودش سؤال پرسیده و جواب داده، و دیگرانی که دست‌شان می‌رسد شرایطی مهیا کنند که کار حرفه‌ای خبرنگاری بتواند در شرایط بهتر یا لاقال با سختی کمتر ادامه پیدا کند. همان لحظاتی که رئیس‌جمهور، معاون اول، وزیر ارشاد، معاون مطبوعاتی، رئیس‌شورای اطلاع‌رسانی و... مشغول تبریک گفتن روز خبرنگار هستند، مدیران مسئول و حتی سردبیران رسانه‌های مکتوب آوارهی بازارند تا بلکه بتوانند چند رول کاغذ پیدا کنند. نه، اشتباه نکنید! کاغذ دولتی و یارانه‌ای نمی‌خواهند، اساساً کاغذی در بازار نیست که حتی به قیمت گراف فروخته شود. تا سطح معاون اول رئیس‌جمهور هم از حل کردن این معضل ابراز ناتوانی کرده‌اند. برای همین، می‌خواهم از رئیس‌جمهور محترم تا معاون مطبوعاتی، ضمن تشکر بابت تبریک‌هایشان، درخواست کنم همین یک معضل را حل کنید؛ تا اساساً روزنامه و مجله‌ای بماند، که بعد از آن خبرنگاری، کاغذی باشد که به قول شما، شجاع باشیم و حقیقت را روی آن بنویسیم. البته اگر هنوز به رسانه‌ی چاپی باور و درکی از وجود آن دارید، و اگر جز رسانه‌های دولتی و وابسته به خودتان و دیگر نهادهای، رسانه‌های دیگری را هم به رسمیت می‌شناسید.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لینوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

استراتژی پرورش طرفدار

نگاهی به فرامتن فصل دوم سریال ونزدی که از چند روز پیش پخش آن در شبکه نتفلیکس شروع شده است

مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

چند روزی است فصل دوم سریال ونزدی (Wendesday) از شبکه نتفلیکس در حال پخش است. سریالی که نام تیم برتون، کارگردان نامدار دنیای فیلم‌ها و سریال‌های فانتزی را بر خود دارد و مدت‌ها بود که طرفداران آن منتظر شروع فصل دوم آن بودند. این سریال ژانر ماوراءطبیعی، معمایی و کم‌سدی دارد و براساس شخصیت ونزدی آدامز، دختر خانواده مشهور و پررمز و راز آدامز ساخته شده است. داستان سریال درباره ونزدی است که به مدرسه قدیم مادر و پدرش منتقل می‌شود و در آنجا رازها و معماهایی برای او آشکار می‌شود که دیدگاه‌اش نسبت به زندگی و خانواده‌اش را تغییر می‌دهد. این سریال را نتفلیکس ساخته و با استراتژی‌هایی خاص، آن را به یکی از مجموعه‌های تلویزیونی موفق دارای گرایش نسلی، تبدیل کرده است.

رتبه نخست تماشای تلویزیونی

نتفلیکس این فصل را به‌پشتوانه موفقیت جهانی بی‌سابقه فصل پیشین خود ساخته است. در نوامبر ۲۲ ۲۰ فصل نخست این سریال نتفلیکس به نمایش درآمد، به‌سرعت به یک پدیده جهانی تبدیل شد و به‌مدت ۲۰ هفته متوالی در فهرست ۱۰ سریال برتر جهانی قرار گرفت. بنا به آمارها، تنها در سه هفته اول انتشار این فصل، بیش از یک میلیارد ساعت تماشا شد و در ۹۰ کشور، رتبه اول تعداد بینندگان را داشت. فصل اول، تحسین گسترده منتقدان را به همراه داشت، به‌ویژه «جن‌اورنگا» در نقش ونزدی بسیار از سوی منتقدان تحسین شد. این بازیگر مکزیکی و پورتوریکویی را تیم برتون پیشنهاد داده بود که عملاً چالشی علیه کلیشه‌هایی بود که علیه لاتین‌تبارها در رسانه‌ها مطرح می‌شد و همین هم کمک کرد که سریال، پایگاه مخاطبان گسترده‌ای در کشورهای لاتین برای خود ایجاد کند. در فصل دوم، از نظر مضمون و پرداخت به‌نظر می‌رسد سریال در فصل جدید به‌بلوغ داستان گویی رسیده است. سازندگان، نقش‌های اعضای خانواده آدامز را گسترش داده‌اند و موقعیت‌های جدیدی خلق کرده‌اند که پیوند طرفداران و تماشاچیان با جهان اثر را محکم‌تر کرده است.

استراتژی تعامل با مخاطب

درواقع این بخشی از استراتژی نتفلیکس است که با علم به موفقیت احتمالی فصل جدید، کاری کرده که تعامل بینندگان با مجموعه بیشتر شود. برای مثال، یک تغییر قابل توجه در فصل دوم، جابه‌جایی مکان‌های فیلمبرداری از رومانی به ایرلند است که دست سازندگان را برای به‌تصویر درآوردن مناظر دراماتیک و وهم‌آور بازتر کرده و هم‌زمان نیز استودیوهای فیلمسازی محلی را به تولید سریال وارد کرده که بر بهبود کیفیت سریال کمک کرده است. با اینکه نتفلیکس یک رویکرد استراتژیک انتشار در قسمتی را برای این فصل در پیش گرفته که کاملاً با فصل گذشته متفاوت است. بخش اول شامل چهار قسمت است که سه روز پیش به نمایش درآمد و بخش دوم (قسمت‌های ۵ تا ۸) قرار است ۱۲ شهریورماه منتشر شود. دویاره کردن زمان بندی پخش جهانی سریال، ذیل همان استراتژی نتفلیکس برای به حداکثر رساندن و طولانی‌تر کردن تعامل مخاطبان با اثر طراحی شده که با توجه به داغ‌بودن بحث‌های پیرامون آن در شبکه‌های اجتماعی، به‌نظر نباید در موفقیت آن تردیدی داشت. سازندگان سریال «ونزدی» اعلام کرده‌اند که فصل دوم را تاریک‌تر و پیچیده‌تر ساخته‌اند و جن‌اورنگا، بازیگر نقش ونزدی نیز گفته که دیگر خبری از مضامین عاشقانه در سریال نیست. سریال در این فصل فراتر از کلیشه‌های معمول ژانر نوجوانانه بر سفر درونی ونزدی و شخصیت او و طرح معماهای ماوراءطبیعی تمرکز کرده است. برخی منتقدان از حال‌وهوای فصل اول سریال انتقاد کرده بودند و آن را عاشقانه‌ای مختص نوجوانان توصیف کرده بودند. این تغییر در چرخش روایی از جهتی نیز برای تهیه‌کننده و پلتفرم نمایش دهنده‌ان، حیاتی است.

بازاریابی براساس جذابیت متنی

«ونزدی» در فصل اول با شخصیت سرد و بی احساس و تاحدودی سرکش

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح
- معاون سردبیر: مهرداد خدیو
- دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لینوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

پرچمدار طلایی

عصر دیروز، کاراته‌کای وزن ۵۰ کیلوگرم ایران به مدال طلای بازی‌های جهانی چنگدو دست یافت. سارا بهمنیار، پرچمدار کاروان ورزشی ایران در بازی‌های جهانی ۲۰۲۵ چنگدوی چین و کاراته‌کای وزن ۵۰ کیلوگرم ایران، با شکست تمام رقبایش نخستین مدال طلای کاروان ایران را از آن خود کرد. بهمنیار در مرحله گروهی ابتدا با نتیجه چهار بر صفر و با رأی داوران (هانتی) برابر اما گاردلی از کرواتسی به پیروزی رسید. او در دومین مبارزه نیز با نتیجه پنج بر چهار، «الامیا یاهیانسا» از کانادا را شکست داد. بهمنیار در سومین دیدارش، ۱۱ بر سه «ارمنیا پرفتو» از ایتالیا را مغلوب کرد و با اقتدار، راهی مرحله نیمه‌نهایی شد و در این مرحله نیز با شکست دادن چهار بر سه «سلیا اوینک» از الجزایر، به دیدار فینال راه یافت. بهمنیار در فینال نیز برابر «مولدیر ژانگیربای» از قزاقستان، پس از کسب تساوی بدون امتیاز با رأی داوران (هانتسی) به‌عنوان برنده نهایی معرفی شد و مدال طلا را بر گردن آویخت.

کتابخانه

نویسنده‌ای زنده و شبیه ما

یک نویسنده و پژوهشگر که عاشق ادبیات روس است، وقتی از خودش می‌پرسد که چرا هر کسی باید داستایوفسکی بخواند، شروع به تحقیق و کندوکاو می‌کند و آنچه را که به آن پی می‌برد، کتاب «خون می‌چکد هنوز» است. این کتاب ادای احترام پائولو نری، نویسنده ایتالیایی کتاب به داستایوفسکی است. نری در این کتاب با روایتی حماسی، در زندگی داستایوفسکی کاوش می‌کند تا این پیام را بدهد که این نویسنده بزرگ در سده فعلی نیز همچنان می‌تواند مردم را جذب دنیای خود کند. سبک نگارشی «خون می‌چکد هنوز»، غیرخطی است و نویسنده با زبان و نثری شاعرانه و بیانی صمیمی، روایت زندگی داستایوفسکی را به تجربه خودش و زندگی‌اش پیوند زده؛ به گونه‌ای که خواننده هنگام مطالعه کتاب احساس می‌کند داستایوفسکی از گذشته به امروز مهاجرت کرده و کنارمان زندگی می‌کند. نری در این کتاب که نخستین بار در سال ۲۰۲۱ در ایتالیا منتشر شد، زندگی داستایوفسکی را به‌صورتی آگاهانه و همچون آیینهای به تصویر کشیده که زندگی ما نیز در آن باتاب دارد. کتاب «خون می‌چکد هنوز» را هنگامه محلاتی برای نشر چشمه، در ۱۶۶ صفحه ترجمه کرده و با قیمت ۴۸۰ هزار تومان به بازار آمده است.

نام کتاب:

خون می چکد هنوز

مترجم:

هنگامه محلاتی

نشر: چشمه

تاریخ

بنیان گذاری بانک مرکزی ایران

پیدایش بانک مرکزی در جهان به قرن هفدهم میلادی و کشور سوئد بازمی‌گردد. این نهاد مالی که Riksbank نام داشت در سال ۱۶۶۸ به‌عنوان یک بانک سهامی عام راه‌اندازی

شد و فعالیت خود را در زمینه اعطای وام‌های دولتی و تسویه حساب‌های تجاری آغاز کرد. بانک مرکزی ایران اما سه قرن بعد و در تاریخ ۱۸ مردادماه ۱۳۲۹ در تهران راه‌اندازی شد. این نهاد با سرمایه‌ای معادل ۳/۶ میلیارد ریال فعالیت خود را آغاز کرد. این امر به پیشنهاد علی اصغر ناصر، وزیر دارایی وقت انجام شد. او که بانکدار باسابقه‌ای بود، ارائه این پیشنهاد در حضور شاه را برعهده شخصی به نام ابراهیم کاشانی گذاشت. ابراهیم کاشانی؛ اقتصاددانی برجسته و وزیر اقتصاد ملی و بازرگانی کابینه حسین علاء بود که عنوان نخستین رئیس بانک مرکزی ایران را نیز به خود اختصاص داد. ابراهیم کاشانی، پیشنهاد تأسیس بانک مرکزی را با شاه در میان گذاشت و موافقت او را برای انجام این کار جلب کرد. کاشانی برای ارائه مقدمات تأسیس این بانک که در آن زمان «بانک مادر» نام گرفت، از کارشناسی بلژیکی به‌نام فرانسیس کراکونیز کمک گرفت.